

آن چه در اولین نگاه به آثار مریم امینی به چشم می‌خورد، جسارت و بی‌پروائی هنرمندانه او در نشان دادن مناظری از بدن انسان و عبور از مرزهایی است که تابو اند. موضوع مرکزی آثار او جستجوی نشانه‌های زندگی در بخش‌های خصوصی اندام‌هاست. در کنار آن، آثار مریم امینی گردشی در دایره هستی‌اند و چالشی با موضوعهائی مانند: کودکی، اروتیسم و مرگ. موضوعهائی که نگرش سطحی به آن مانع از دیدن پیچیدگی و عمق این آثار می‌شود. «بی‌زمان، حیرت‌آور، شوک‌دهنده، عجیب، نگران‌کننده، مضحک و چند مفهومی و در عین حال فرمال. بسیار عمیق و سخت‌گیرانه»

آثار مریم امینی حسی‌اند. بدون اینکه آثاری نمادین باشند. احساس تماشاگر را تحریک می‌کنند بدون اینکه او را به سمت فکر و یا پذیرش از قبل مشخصی هدایت کنند.

او در آثارش تضادها را در آرایشی آنارشیستی حل می‌کند، و تماشاگر بعد از تحریک و تاثیر شوک اولیه این آثار، بلافاصله درگیر گفتمان انتقادی آن می‌شود. آثار امینی بازگوشانه به نظر می‌آیند. اما در پشت این بازی، جدیتی و حشمتناک، تاثیر اتفاقات روزمره و تقابل آنچه فضای عمومی و آنچه فضای شخصی ست نهفته است.

اجزاء اندامها در آثار او کامل نیستند و کاملاً تعریف نمی‌شوند، نیروی تخریب بزرگی در پشت آنها نهفته است. او گاه بدون تمرکز بر ساختار آناتومی و معماری اندام و یا مرزهای بین نمایش و واقعیت و بدون اجبار در تشخیص اعضاء پیکر انسانی و عبور کامل از خطوط کناری پیکرها، آنها را به تکه‌های گوشتی و یا اروتیکی نامشخص تبدیل می‌کند.

مریم امینی هراسی از سطوح خالی ندارد، و تلاش نمی‌کند که هر گوشه‌ای از اثر را به کار گیرد، اجازه می‌دهد که نگاه مخاطب در فضای اثر آرامش پیدا کند. ارتباط این هنرمند با رنگ، هم وزن ارتباط او با فرم است. در آثار او رنگ بخش جدائی‌ناپذیر اثر است. در این آثار رنگ انباشته شده و تزئینی نیست و برای شکل دادن به اشیاء بکار نمی‌رود. بلکه به صورت بیانی ویژه از فرم است.

او موتیف‌ها را از دل خط و رنگ می‌سازد، و با استفاده از پشت‌زمینه‌ای از رنگ رقیق و کمپوزیونی که گاه در مرکز اثر متمرکز می‌شود و گاه بدون تمرکز، در فضای تلاقی درون و بیرون، ارزش‌های حسی و پدیده‌های بصری‌اش را به نمایش می‌گذارد.

هر اتفاقی برای این هنرمند ضربه استتیک‌نویسی است. تخریب تعدادی از آثارش هنگام حمل و نقل، انگیزه ست برای تجربه‌های جدید و سفر به درون بوم. او در این آثار با دقت یک جراح طرح‌ها را می‌برد و از آنها یک فرم کامل بوجود می‌آورد و همراه آن هر اختلال در منشاء تخریب شده اثر را پاک می‌کند. این هنرمند در آثار جدیدش در پی ایجاد مفهوم دیگری برای گذرگاه فضای پر انرژی جلو و فضای خالی پشت اثر است.

بر سطح بوم که مانند پوست دوم بر چهارچوب استوار است. اشکال بریده شده و پراکنده با ظاهری بدون سیستم و در واقع بسیار دقیق و شاعرانه خلق می‌شوند. و در کنار آن شی و یا مجسمه‌ای که در دل بوم قرار دارد. چیدمان گونه‌گی این آثار تجربه عبور به درون بوم، ارتباط سنتی، تماشاگر - اثر را دگرگون می‌کند، و با تغییر و در هم ریختن پارامترهای عادت شده از درک فضا و عمل نگاه کردن از بیرون به درون و از درون به بیرون بوم، تجربه نویسی برای بیننده بوجود می‌آورد.

او در آثارش با استفاده از رقت و غلظت و گاه جرم رنگ‌ها، استفاده از کلاژ و مجسمه و شی و تضاد عناصر شکل‌گرا و انتزاعی، اندامهائی در هم فشرده و لهیده و گاه سالم و زیبا، استفاده از خطوطی که عامل انرژی در اثرند، جاذبه بافت‌های اکسپرسیو، در کنار رنگهائی درخشان و ایجاد فضاهائی چند معنائی، به کلیت ساختار تصویری کم‌نظیری دست پیدا می‌کند و برای مخاطب شوق تجربه بصری جدیدی بوجود می‌آورد.

مریم امینی در آثارش گاه گرایش به واقع‌گرایی دارد - اندام زنی که کاملاً رئالیستی در وسط تابلو دیده می‌شود، سر حیوانی که در بالای اثر است و ... - اما در روند بوجود آوردن این آثار، واقعیت تجربه شده شخصی با واقعیت بوجود آمده در اثر به رقابت کشانده می‌شوند.

اگر چه او دائماً بازگشتی به موتیف‌ها و موضوعات بنیادی‌اش دارد، اما آثارش طی این سالها مرتب عمق و گسترش بیشتری یافته‌اند. او در آثارش فضای اندیشه کردن وسیعی به مخاطب‌اش عرضه می‌کند. فضائی که در آن هر کس با تجربه خودش می‌تواند در آن ساکن شود. مریم امینی هنرمندی نامتعارف و منحصر بفرد است.

علی نصیر - برلین ۱۳۹۱